

چرا کارنامه‌های کنکور ۱۴۰۵ جنجالی شد؟

داشته باشد. اما همین توضیح به تنهایی پاسخگوی اعتراض‌های امسال نیست.

چرا ترازها پایین‌تر شده‌اند؟

بخش مهم اعتراض‌ها به این موضوع مربوط است که برخی داوطلبان با نمراتی مشابه سال گذشته، تراز پایین‌تری دریافت کرده‌اند. بعضی فعالان کنکور از افت ۵۰۰ تا هزار واحدی تراز در برخی نمونه‌ها سخن گفته‌اند؛ موضوعی که اگر در مقیاس گسترده تأیید شود، نیازمند توضیح آماری سازمان سنجش و آموزش و پرورش است.

اعلام نتایج کنکور ۱۴۰۵ به‌جای آنکه به انتظار چندماهه داوطلبان پایان دهد، موج تازه‌ای از اعتراض و ابهام ایجاد کرده است؛ از ترازهای پایین‌تر از انتظار برای معدل‌های بالا تا رتبه‌هایی که با تخمین‌های رایج فاصله محسوسی دارند.

به گزارش رویداد۲۴، در میان واکنش‌ها، حتی نمونه‌هایی مانند معدل ۱۹.۵ و تراز حدود ۸۷۰۰ یا معدل ۱۹.۲۰ و تراز کمتر از ۹۰۰۰ مطرح شده است. برخی مشاوران نیز از افت چندصد واحدی تراز نسبت به برآوردهای سال گذشته



سخن می‌گویند. در مقابل، هنوز سندی رسمی که نشان دهد در سامانه سازمان سنجش «باگ» یا خطای فنی رخ داده وجود ندارد؛ بنابراین مسئله اصلی فعلاً نه اثبات یک خطای نرم‌افزاری، بلکه توضیح درباره تفاوت قابل توجه نتایج امسال با انتظارات قبلی است. اهمیت موضوع از آنجا بیشتر می‌شود که در کنکور ۱۴۰۵، سوابق تحصیلی سهم ۶۰ درصدی در نمره کل دارد و آزمون اختصاصی ۴۰ درصد باقی‌مانده را تشکیل می‌دهد. بر اساس توضیحات سازمان سنجش، در این ۶۰ درصد، سهم پایه دوازدهم ۴۳ درصد و سهم پایه یازدهم ۱۷ درصد است و اثر پایه یازدهم در کنکور امسال مثبت در نظر گرفته شده است.

به همین دلیل، نمرات امتحانات نهایی دیگر یک بخش فرعی از پرونده داوطلب نیستند؛ بلکه می‌توانند رتبه نهایی را به شکل جدی جابه‌جا کنند. با این حال، یک نکته کلیدی در فهم اعتراض‌ها وجود دارد: معدل با تراز یکسان نیست. نمره خام امتحان و معدل کل مستقیماً به همان عددی که در کارنامه به‌عنوان تراز سابقه تحصیلی دیده می‌شود تبدیل نمی‌شوند. نمرات ابتدا بر اساس روش استانداردسازی و شرایط آماری جامعه داوطلبان تراز می‌شوند و سپس در محاسبه نمره کل اثر می‌گذارند؛ بنابراین نمی‌توان گفت هر دانش‌آموز با معدل ۱۹.۵ الزاماً باید تراز مشخص و ثابتی

توزیع نمرات نهایی و تفاوت جامعه آماری می‌تواند دقت این مدل‌ها را کاهش دهد؛ بنابراین اختلاف میان تخمین و رتبه واقعی به تنهایی نشانه خطا نیست؛ اما اگر تعداد زیادی از داوطلبان با یک الگوی مشابه چنین اختلافی را تجربه کرده باشند، می‌تواند نشانه‌ای باشد که مدل‌های سال‌های گذشته دیگر برای پیش‌بینی رتبه امسال قابل اتکا نبوده‌اند.

چرا درصدها و جزئیات کارنامه دیرتر روشن شد؟

یکی دیگر از اعتراض‌های مطرح‌شده به نحوه اعلام نتایج مربوط است. داوطلبان انتظار داشتند مانند سال‌های گذشته، اطلاعات کارنامه به شکل مرحله‌ای و همراه با جزئیات بیشتری منتشر شود، اما بخشی از اطلاعات با تأخیر در اختیار آنها قرار گرفت.

معاون آزمون‌های سازمان سنجش سوم مهرماه اعلام کرده بود که فایل سوابق تحصیلی از سوی آموزش و پرورش به سازمان سنجش رسیده و سازمان برای انجام فرآیند «نمره‌کل‌سازی» به زمان نیاز دارد. این توضیح نشان می‌دهد که بخش مهمی از تأخیر امسال به دریافت و پردازش سوابق تحصیلی مربوط بوده است.

با این حال، برای داوطلبی که رتبه نهایی خود را می‌بیند، اما جزئیات کافی درباره چگونگی شکل‌گیری آن ندارد، این تأخیر می‌تواند ابهام ایجاد کند؛ به‌ویژه زمانی که نتیجه با پیش‌بینی‌های قبلی فاصله داشته باشد.

شائبه سهمیه‌ها و مطالبه شفاف‌سازی

در فضای مجازی همزمان با اعتراض به ترازها، ادعاهایی درباره تأثیر سهمیه مربوط به آسیب‌دیدگان جنگ یا وارد شدن گروه‌هایی مانند ثبت‌نام‌کنندگان آزمون فرهنگیان به جامعه رتبه‌بندی مطرح شده است. این ادعاها فعلاً سند رسمی کافی ندارند و نمی‌توان آنها را به‌عنوان علت تغییر رتبه‌ها مطرح کرد، اما وجود این شائبه ضرورت شفاف‌سازی سازمان سنجش در این زمینه را جدی می‌کند.

آنچه اکنون بیش از هر چیز مورد نیاز است، توضیح عددی و شفاف سازمان سنجش و آموزش و پرورش است. اگر افت تراز سوابق تحصیلی نتیجه تغییر توزیع نمرات امتحانات نهایی بوده، باید آمار آن منتشر شود. اگر روش تراز کردن تغییر کرده، باید جزئیات آن اعلام شود و اگر هیچ تغییری در روش محاسبه ایجاد نشده، باید توضیح داده شود که چرا نمرات مشابه سال گذشته در موارد متعدد به ترازهای متفاوت منجر شده‌اند. در شرایطی که ۶۰ درصد نمره نهایی کنکور به سوابق تحصیلی وابسته است، شفاف نبودن این فرآیند مستقیماً با سرنوشت داوطلبان در انتخاب رشته ارتباط دارد.

PDF Compressor Free Version

چگونه پدر و مادر خود را تربیت کنیم اثر پیت جانسون

شیوه‌های تربیتی جاه‌طلبانه و توأم با فشار والدین را زیر سؤال می‌برد. این کتاب برنده جایزه‌ی کتاب شفیلد



شده است. این جایزه که از سال ۱۹۸۸ اهدا می‌شود با هدف تشویق کودکان به خواندن اهدا می‌شود. کتابداران شفیلد هر سال فهرستی از بهترین کتاب‌های منتشر شده در سال را تهیه می‌کنند و سپس فهرست را در اختیار مدرسه‌ها قرار می‌دهند. دانش‌آموزان کتاب‌ها را می‌خوانند و بهترین کتاب را انتخاب می‌کنند.

گزیده‌هایی از کتاب

همین تازگی مدرسه جدید را شروع کرده‌ام. مدرسه‌ای می‌گویم و مدرسه‌ای می‌شنوی. همین‌قدر بگویم که اینجا پر است از خرخوان‌ترین آدم‌هایی که توی عمرم دیده‌ام. از آن طرف هم بابا و مامانم ویر درس و مشق و تست‌زنی و کلاس‌های فوق‌برنامه برای من گرفته‌اند. واقعاً برایم کابوس شده.

وقتی پر حرفی دیگر عادی نیست

یک روانشناس با تأکید بر اینکه نقص در «کنترل تکانه» عامل اصلی ناتوانی در مهار جریان کلام است، معتقد است تفاوت پر حرفی سالم و مرضی در هدفمندی و موقعیت‌سنجی افراد در تعاملات اجتماعی نهفته است. سید علی قاسمی در گفت‌وگو با ایسنا، در این باره که تفاوت

بین «پر حرفی برون‌گرایانه» و «پر حرفی مرضی» که نشانه‌های اختلالات خلقی است چیست؟ گفت: یک شخصیت برون‌گرای سالم تعاملی هدفمند دارد. او به اندازه‌ای که لازم است حرف می‌زند و وقتی هدف محقق شد دلیلی برای پر حرفی‌های پراکنده و بی‌هدف نمی‌بیند. هنگام تعامل با یک برون‌گرای سالم، دریافت می‌کنید که حرف‌های او هدفمند است و چیزی به دانش یا فهم طرفین اضافه می‌کند. او موقعیت‌شناس است اگر شرایط حرف‌زدن نباشد یا مخاطب آمادگی گوش‌دادن نداشته باشد به زور صحبت نمی‌کند. او مدام زبان بدن طرف مقابل را

بررسی می‌کند و اگر ببیند مخاطب عجله دارد یا حالش مساعد نیست، مکالمه را ادامه نمی‌دهد. وی تصریح کرد: اما در پر حرفی ناشی از اضطراب و نگرانی، فرد حرف به شنونده توجهی ندارد. موضوع اصلی برای او این است که خودش صحبت کند، چون این کار موقتا به او آرامش می‌دهد. در این شرایط حرف‌ها پراکنده، بی‌هدف و گاه برای شنونده خسته‌کننده است. این افراد اصلاً حواسشان نیست که مخاطب چند بار به ساعت نگاه کرده یا اعلام کرده عجله دارد. برای آن‌ها مهم نیست که شنونده علاقه‌ای به شنیدن دارد یا خیر، بلکه تنها از فرصت حضور فرد دیگری استفاده می‌کند تا به رهایی موقت از تکانه‌های اضطرابی درونی خود برسد. بنابراین پراکندگی، بی‌هدفی و عدم تناسب با موقعیت از شاخص‌های اصلی تشخیص پر حرفی‌های مرضی و اضطرابی است. وی با اشاره به این که ترس عمیق از «نادیده گرفته شدن» یا «بی‌اهمیت بودن» محرک اصلی این افراد برای تصاحب فضای کلامی است، اظهار کرد: هر نوع احساس تهدیدشدگی یا ناامنی می‌تواند یک فرد آسیب‌پذیر با عزت‌نفس پایین را تحریک کند تا با رفتارهای هیجان‌زده برای محافظت از خود تلاش کند. این رفتارها به‌جای اینکه به فرد یک احساس امنیت پایدار بدهند تنها به‌طور موقت تکانه‌های هیجانی او را مدیریت کرده و کاهش می‌دهند، اما در طولانی‌مدت این رویکرد فقط باعث می‌شود ضعف‌های فرد دامنه‌دارتر و گسترده‌تر شود و او بیش از پیش در معرض آسیب قرار بگیرد. در نهایت چنین افرادی یا تنها می‌مانند و یا اگر اطرافیانی داشته باشند، در کنار آن‌ها نیز احساس تنهایی خواهند کرد و همه این‌ها به خاطر غفلت از پیام‌هایی است که در رفتارهای افراطی خود به مخاطبان‌شان مخابره می‌کنند.

